

کاشف (یا کشف) الویل فی معرفة امراض الخیل

مهم‌ترین نوشته مسلمانان در اسب‌شناسی

جلال شایق *

چکیده

کتاب کاشف (یا کشف) الویل فی معرفة امراض الخیل اثر ابوبکر بن بدرالدین بیطار معروف به ابن منذر، دامپزشک مسلمان، منظم‌ترین و کامل‌ترین اثر در زمینه اسب‌شناسی و اسب‌پزشکی در سده‌های میانه محسوب می‌شود. این کتاب مشتمل بر ده مقاله و هر مقاله شامل چندین باب است که مؤلف در آن از بیان صفات، خصوصیات، انساب، تغذیه، روش شناختن اسب سالم و مریض، طرز معالجه و درمان، لوازم و اسباب و آلات مربوط به آن و هر چه برای یک سوارکار لازم و ضروری است، هیچ فروگذار نکرده است. در این مقاله اثر و پژوهش‌های مرتبط با آن معرفی شده است. کلیدواژه‌ها: اسب‌شناسی، دامپزشکی، ابن منذر، تاریخ علم.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر / jalal_shayeghi@yahoo.com

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر است.

مقدمه

تمدن اسلامی، اگرچه با واسطه ترجمه آثار علمی یونانی و رومی میراثدار این علوم — به ویژه از طریق مراکز علمی مهم آن روزگار مانند جندی شاپور — بوده است، نقش دانشمندان مسلمان در گسترش علوم، از جمله دامپزشکی و اسب‌شناسی مهم و قابل‌اعتنا است. در میان آثار مختلف علمی دوران اسلامی، کتب مربوط به حیوانات، به ویژه اسب، اهمیت بسیار دارند. در صدر این آثار کتابی است به نام *کتاب السیاسة فی علم الفراسه* منسوب به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) که به دست فردی به نام امروالقیس، از نوادگان امروالقیس، شاعر معروف عرب، انشا یا از سخنان ایشان جمع‌آوری شده است (تاجبخش ۱۳۸۵: ۲/۲۰۵). از مهم‌ترین آثار دامپزشکی اسلامی کتاب *الخیل و البیطرة* از محمد بن یعقوب بن اخی حزام (قرن سوم هجری / نهم میلادی) است (شایق ۱۳۹۰: ۱۳). در میان آثار دیگر، کتاب *الفلاحه* اثر ابوزکریا یحیی بن محمد بن احمد بن عوام و *الاقوال الکافیة و الفصول الشافیة فی علم البیطرة* نوشته‌ی المجاهد علی رسولی از اهمیت خاصی برخوردارند. کتب و فرسنامه‌های متعدد فارسی، ترکی و غیرهم را نیز می‌باید به این فهرست اضافه کرد (نک: مساح ۱۳۷۵). اما شاید به جرأت بتوان گفت هیچ کدام از این آثار به پای کتاب کاشف (یا کشف) *الویل فی معرفة امراض الخیل یا کامل الصناعتین البیطرة و الزرطقة* معروف به کتاب *الناصری* تألیف ابن منذر، ابوبکر بن بدر، ملقب به بیطار ناصری (۷۴۱ق/ ۱۳۴۰م) نمی‌رسد.

در اهمیت این کتاب همین بس که جرج سارتن، نویسنده بزرگ تاریخ علم، درباره آن نوشته است: تا جایی که به اسب مربوط می‌شود، کامل‌ترین کتاب سده‌های میانه را ابن منذر، میرآخور یا آخورسالار سلطان مملوک ناصرالدین محمد قلاوون، تألیف کرد. این رساله ابن منذر در هیچ زبان و کشور دیگری تا مدتها بعد

همتایی ندارد (سارتن ۱۳۸۳: ۳ / ۲۲۹۷). این کتاب منظم‌ترین و کامل‌ترین اثر در هر دو زمینه اسب‌شناسی و اسب‌پزشکی است که در سده‌های میانه نوشته شده است.

پدیدآورنده کتاب

ابوبکر بن بدرالدین بیطار، معروف به ابن منذر، دامپزشک مسلمان، که در زمان سلطان مملوک ناصرالدین محمد قلاون، فرمانروای مصر و شام می‌زیست. این پادشاه در ذی‌قعدة ۶۸۴ زاده شد و در خردسالی به حکومت رسید؛ از این رو باید تصور کرد که خدمت ابن‌منذر در دستگاه او در فاصله سالهای ۶۹۸-۷۴۱ ق/۱۲۹۸-۱۳۴۰ م بوده است که می‌توان آن را آغاز سده چهاردهم میلادی دانست. درباره زندگی او هیچ نمی‌دانیم، جز اینکه پدرش بدرالدین، دامپزشک معروفی بود و او پا جای پدر گذاشته بود. احتمال دارد که هر دو در خدمت سلطان بوده‌اند و این به آنان فرصت کسب تجارب زیادی را داده باشد (شایق ۱۳۹۱: ۹۳).

عصر تألیف کتاب

ناصرالدین محمد قلاون ساختمان بیمارستان بزرگی را که پدرش آغاز کرده بود، به انجام رساند. پدر وی، ملک منصور سیف‌الدین ابوالمعالی الفی صالحی نجمی قلاون، از سلاطین ممالیک بحری بود که از ۱۲۷۹ م/۶۷۸ ق تا ۱۲۹۰ م/۶۸۹ ق، بر مصر و شام فرمانروایی کرد و نه تنها در مقام سردار و سیاستمداری بزرگ، بلکه به نام سازنده‌ای بزرگ هم شهرت یافت. بخشی از معروف‌ترین بنای او هنوز باقی است و آن بیمارستانی در قاهره است که به نام او بیمارستان المنصوری خوانده می‌شود. این اثر بنایی کامل بوده است، شامل بخشهای جداگانه برای بیماریهای مختلف، انبارها، مسجد، مدرسه، مقبره خود قلاون، و غیره. ناصرالدین نیز خود بانی و مؤسس بزرگی بود و به اسب علاقه بسیار داشت. جرج سارتن در خصوص توجه

امرای آن عصر به کشاورزی و دامپروری می‌نویسد: برای مردم عصر ما مجسم کردن اصطبلهای شاهان قدیم، به‌ویژه در سرزمینهای اسلامی، دشوار است. چند سال پیش اصطبلهای قدیم مکنه را در مراکش دیدم که برای مولای اسماعیل (سلطان مراکش: ۱۶۷۲-۱۷۲۷م/۱۰۸۳-۱۱۴۰ق) ساخته شده بود و گفته شد که در آنها دوازده هزار اسب نگهداری می‌شد! بقایای آن بناها چنان مفصل است (و هوا چنان گرم بود) که با تاکسی از میان آنها گذشتم (سارتن ۱۳۸۳: ۳/۲۲۹۷).

نام کتاب

کارل بروکلمان و سارتن معتقدند که عنوان این کتاب را خود ابن منذر کاشف (یا: کشف) *الویل فی معرفة امراض الخیل*، انتخاب کرده بود، اما بعداً این اثر نام کامل *الصناعتین البیطرة و الزرطقة* به خود گرفت و عموماً به نام کتاب *ناصری شناخته* می‌شود؛ اما غالباً نسخ خطی نام کتاب را *کامل الصناعتین البیطرة و الزرطقة* ذکر کرده‌اند (ارک ۱۹۵۹). کلمه *زرطقه* یا *زردقه* که به معنی تربیت اسب است، در برخی از منابع به صورت *زرطقه* نیز ضبط شده است؛ ولی اغلب مآخذ آن را *زرطقه* نوشته‌اند (تاجبخش ۱۳۸۵: ۳۸۵). *زرطقه* گویا معرب واژه لاتینی *روسکا*^۱ به معنای خانه کشاورزی است که به این صورت به عربی راه گشوده است. برخی این کتاب را اقتباسی از کتاب *کامل الصناعتین (البیطرة و الزرطقة)*، تألیف ابن‌اخی حزام دانسته‌اند، در حالی که مآخذ کتابشناختی از اثر ابن‌اخی حزام با عنوان *الفروسية و البیطرة* یاد کرده‌اند؛ از آن جمله بروکلمان دو کتاب یکی در اسب‌شناسی به نام *الفروسية و شبيهه الخیل* و دیگری در دامپزشکی به نام *الخیل و البیطرة* را به ابن‌اخی حزام نسبت می‌دهد؛ اما تاجبخش هر دو کتاب را یکی دانسته و با استناد به نسخه خطی کتابخانه وین، نام کتاب ابن‌اخی حزام را *کامل الصناعتین فی البیطرة* ذکر کرده است که

۱. کتابی از کلومل دامپزشک معروف روم به نام *De Re Rustrica* باقی است (شایق ۱۳۹۱).

ناسخان بعدها به اشتباه این نام را برای کتاب ابن منذر نیز نهاده‌اند (همان: ۳۸۶).

منابع کتاب

در مقدمه کتاب، ابن منذر از افرادی نام می‌برد که وی در اثر خود احتمالاً آثار آنان را مد نظر داشته و از آنها بهره برده است.

زمانی که ملاحظه کردم بسیاری از دامپزشکان و پزشکان و دامپروان و نیز فیلسوفان و دانشمندان همانند ارسطو و هرمس^۲ و جالینوس و بقراط^۳ از متقدمان و ابی‌یوسف^۴ و محمدبن اخی حزام ختلی^۵ از متأخرین با وجود کتب زیادی که در دانش دامپزشکی و

۲. هرمس بایستی همان هرمس سوم از حکمای مصر و فیلسوف جهانگردی باشد که از طبایع و اوضاع بلاد اطلاع بسیار داشته و او را کتابی در صنعت کیمیا و کتابی در حیوانات سمی بوده است.

۳. دو بقراط در تاریخ دامپزشکی معروف‌اند: اولی بقراط، حکیم و طبیب معروف یونانی و دیگری بقراط یکی از نویسندگان کتاب هیپاتریکا که غالباً در زمینه جانورشناسی و دامپزشکی نمی‌توان آثارشان را از هم جدا نمود (شایق ۱۳۹۱).

۴. ابی‌یوسف نام نویسنده‌ای است که علاوه بر ابن‌مندر مورد استناد ابن‌اخی حزام و نویسنده ناشناس کتاب *البيطرة* موجود در آکسفورد نیز بوده است (سزگین ۱۳۸۰: ۵۲۵). ذکر کنیه ابی‌یوسف برای او، بدون اشاره به نام کامل وی، دلیلی بر معرفیت او و اشاره ابن‌اخی حزام دلیل بر زندگی وی در قرن سوم هجری یا قبل از آن است. در فهرست فواد سزگین جزو نویسندگان جانورشناسی و دامپزشکی مربوط به سه قرن اولیه هجری تنها یک فرد با کنیه ابویوسف، ذکر شده و این فرد کسی نیست جز یعقوب بن اسحاق الکندی، مکنی به ابویوسف نخستین فیلسوف عرب. سزگین در *تاریخ نوشته‌های عربی* از او در زمره نویسندگان جانورشناسی و دامپزشکی نام برده و چند اثرش را در این زمینه ذکر کرده است: از جمله کتاب *فی الخیل* و *البيطرة* و *رسالة فی اجساد الحيوان اذا فسدت*. به عقیده سزگین ظاهراً از او در کتب قرون بعدی جانورشناسی نشانه‌های کمی باقی مانده است و واقعیت هم چنین است. به هر حال، اگر چه به عقیده نگارنده ابی‌یوسف مورد استناد ابن‌مندر کسی جز ابی‌یوسف یعقوب بن اسحاق الکندی نمی‌تواند باشد و اثر مورد اشاره سزگین. یعنی کتاب *فی الخیل* و *البيطرة*، احتمالاً مورد استفاده ابن‌مندر بوده است ولی باز اگر چنین چیزی حقیقت نداشته باشد، حداقل می‌توان نتیجه گرفت که اولین نگارنده شناخته شده در میان مسلمانان در خصوص اسب، کسی است که تنها کنیه‌ای از آن در روزگاران ما باقی است و می‌توان از ابی‌یوسف به عنوان دامپزشک فراموش شده یاد کرد.

۵. محمدبن اخی حزام (قرن سوم هجری / نهم میلادی)، دامپزشک و میرآخور معتضد عباسی است که به

دامپروری و درمان آنها از خود به یادگار گذاشته‌اند ... (بیطار، کامل، ج ۱، ص ۹۸).

از این افراد، جز فردی که کنیه ابی‌یوسف دارد، همه شناخته شده‌اند. علاوه بر آن، او در مقدمه از پدر خود و دامپزشکان معاصرش، و نیز تجربیات خود نام می‌برد. در جای‌جای کتاب از متقدمان یا پیشینیان ذکری آورده، در نحوه خارج کردن جنین مرده از رحم، از محمود بیطار نام برده و در چند جا از این‌اخی حزام نام برده است. پدرش سومین دامپزشکی است که از او یاد شده است. او در مقدمه کتاب راجع به منابع دیگر آن چنین نوشته است:

گر چه من از نظر علم و فهم به پایه ایشان متقدمین نرسیده و با آنان برابری نمی‌کنم، اما چیزهایی را که ایشان گفته‌اند و چه نیکو گفته شده را بیان نموده‌ام و سخن آنان و نظرات ایشان را که تجربه شده است بیان نموده‌ام و چه بسیار از دامپزشکان را دیده‌ام و از آنان تجربه اندوخته‌ام و پدرم بدرالدین — که خدا او را رحمت کند — نیز بیان داشته است و نیز از مجربان بیطاری شنیده و اندوخته‌ام آنچه را که دیده بوده و یا خود بدان عمل نموده بودند (همانجا).

اشاره به کتاب در منابع تاریخی

قدیم‌ترین اشاره به این کتاب را در کتاب *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون* اثر مصطفی بن عبدالله (مشهور به کاتب چلبی، و خلیفه، و حاجی خلیفه) می‌توان یافت. او نام کتاب را *کامل الصناعتین البیطرة و الزرطقة* آورده و کلمه زرطقه را در معنای تعلیم و تربیت حیوانات ذکر کرده است.

قاموس الاعلام ترکی، کتاب الاعلام خیرالدین الزرکلی، و از آثار متأخر معجم

خاطر تألیف کتاب *الخیل و البیطره* در تاریخ علم شهرت دارد؛ به طوری که بسیاری او را نخستین نویسنده کتاب در دامپزشکی و اسب‌شناسی دانسته‌اند. کتاب وی علاوه بر کتاب ابن‌منذر، منبع کتابهای دامپزشکی دیگر بعد از خود، چون کتاب *فلاحه از ابوزکریا یحیی بن محمد بن احمد العوام* بوده است. ابن‌منذر در دو مورد در کتاب خود به طور مستقیم نام او را آورده است.

المؤلفین (اثر عمر رضا کحاله) از این کتاب نام برده‌اند (ابریق ۱۹۹۴: ۵۷).

نسخ خطی برجای مانده

نسخ خطی متن عربی: نسخ عربی فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌های جهان وجود دارد. عبدالرحمن ابریق در مقدمه چاپ عربی خویش از سیزده نسخه‌ای که ملاحظه و از آنها استفاده نموده بدین شرح نام برده است: نسخه دارالکتب الوطنیه تونس به شماره ۲۵۹؛ نسخه کتابخانه ملی وین به شماره ۱۴۸۱؛ نسخه دارالکتب المصریه در قاهره به شماره ۱۲۱۸ ط؛ نسخه مکه مکرمه به شماره حرم مکی، ۱ ط - ف ۱۴؛ نسخه کتابخانه شهر اسکندریه به شماره ۲۰۴۲؛ نسخه کتابخانه بریتانیا در لندن به شماره ADO/19448SCH/9987؛ نسخه کتابخانه ظاهریه در دمشق به شماره ۲۰؛ دو نسخه در کتابخانه گوتا در برلین به شماره‌های ۲۰۸۲ و ۲۰۸۳؛ نسخه کتابخانه بادلیان در اکسفورد به شماره ۱۸۰؛ نسخه کتابخانه بوسا در سلیمانیه استانبول به شماره ۱۱۲۲ (نسخه‌ای الکترونیکی موجود از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی توسط نگارنده تهیه و ملاحظه شده است)؛ نسخه کتابخانه الوقیفه المولویه در حلب به شماره ۴؛ نسخه کتابخانه ملی برلین به شماره Berl. 6183ST Staatsbibliothek (همو ۶۵).

نسخ خطی ترجمه فارسی: این کتاب با توجه به نسخه‌های متعددی که از آن به عربی در دسترس است، یکی از کتب پرکاربرد زمان خویش محسوب می‌شده است. از این رو در قرن دوازدهم هجری به دستور محمد ادریس خان قاضی القضاة به نام احمد شاه دُرّانی افغانی (حک: ۱۷۲۳ - ۱۷۷۳ م/ ۱۱۳۶-۱۱۸۷ ق) توسط فردی ناشناس به زبان فارسی ترجمه شده است. ترجمه فارسی این اثر کاری قوی نیست و بر خلاف اهمیت علمی آن، به نظر می‌رسد از اهمیت ادبی چندانی برخوردار نیست.^۶

۶. ادعای مشابهی را عبدالرحمن ابریق در خصوص متن عربی دارد.

در ترجمه فارسی مترجم هر جا نیاز به توضیحی دیده، وارد متن کرده و این امر گاه گسستگی در مطلب را موجب شده است. او در ترجمه دچار سهوهای بسیاری شده است؛ مثلاً برنوف را به صورت یرنوق و یا حلبلوب را به صورت خلیلوب آورده است؛ در بحث خلد، سرواژه خلد را با جلد سهو کرده و این امر موجب مشوش شدن متن شده است؛ یا ابن اخی حزام را به صورت برادرزادهام حزام ترجمه کرده تا این تصور برای برخی ایجاد گردد که ابن منذر برادرزاده‌ای به نام حزام داشته است. چندین نسخه از این ترجمه در کتابخانه‌های مختلف دنیا وجود دارد. تا جایی که نگارنده می‌داند، نسخ ذیل شناخته شده‌اند:

- یک نسخه به شماره ۱۶۶۷ در دارالکتب مصر، کتابت به سال ۱۱۹۹ ق (فهرست المخطوطات الفارسیه دارالکتب، ۲۸/۲-۲۹).

- یک نسخه به شماره ۱/۳۰۲۵ در ازبکستان (مجموعه نسخ خطی شرق در آکادمی علم، ازبکستان شوروی، ج ۱، ص ۴۹۶۵). در توضیح این نسخه آمده است: «این ترجمه به کمک قاضی محمد صدیق خان و محمد ادريس خان به نام احمد شاه درانی انجام شده و احتمالاً این دو نفر از درباریان بوده‌اند؛ چه قاضی محمد صدیق، مفتی بلده لاهور بوده است» (مساح ۱۳۷۵: ۱۰).

- یک نسخه به شماره ۲۵۱۵ در کتابخانه مرکزی تهران، کتابت اواخر سده دوازدهم به خط نسخ (دانش‌پژوه ۱۳۰۸: ۹). این نسخه — که نگارنده آن را دیده — ناقص و آغاز آن چنین است: «... است که ناگاه پیدا شود و هفتم ثوالیل است و آن جمه ثولول است.» و در پایان آن آمده است: «اما بعد حسب‌الحکم جهان مطالع عالم مطیع شاه سلیمان‌جاه... سلطان‌المجاهدین فی سبیل‌الله... احمد شاه پادشان دُرّان لازال مؤید بتأیید السبحان...» این نسخه در فهرست چنین معرفی شده است: «فرس‌نامه: در نه مقاله به نام احمد شاه درّانی ساخته شده است.» نسخه در اصل مصور بوده و به نظر می‌رسد صفحات مصور آن از مجموعه ربوده شده و سپس

کتاب به صورت نامراتب سرهم‌بندی شده است. از آن همه تصویر تنها دو تصویر از کتاب باقی است که متعلق به اقسام الاغ است.

– یک نسخه کامل به شماره ۵۷۳ با عنوان و نشان سنگرف در کتابخانه ملک در ۲۲۴ برگ به خط نستعلیق سده سیزدهم (تاجبخش ۱۳۷۹: ۳۸۶). این نسخه به خط نستعلیق که در برخی صفحات به صورت شکسته و گاه ناخوانا است. به نظر می‌رسد که این نسخه از روی نسخه‌ای مصور رونویس شده، چرا که اشاره به تصاویر در آن وجود دارد ولی خبری از خود تصویرها نیست.

نسخ خطی ترجمه ترکی: یک نسخه ترجمه ترکی به شماره ۳۵۷۵ در کتابخانه ایاصوفیا وجود دارد که ترجمه‌ای خلاصه شده و شامل بابهای ۶، ۷، ۸، و ۹، یعنی کل بخش معالجات، است. این ترجمه را فردی به نام محمدین چرکس به سال ۱۰۹۰ ق انجام داده است (ارک ۱۹۵۹).

پژوهشها در خصوص کتاب

پژوهشهای غربی

اولین پژوهش غربی، ترجمه فرانسوی م. پرون در سه جلد است (نک: پرون ۱۸۵۲-۱۸۶۰). همین مجموعه مورد استناد جرج سارتن در بررسی تاریخی کتاب ابن منذر قرار گرفته است. جلد اول مقدمه‌ای است مفصل و جلدهای دوم و سوم حاوی ترجمه فرانسوی کتاب ناصری همراه با ترجمه قطعه‌هایی است از یک متن عربی قدیم‌تر (که در سال ۶۰۵ ق در بغداد تألیف شده) و از کتاب *الاقوال الکافیة والاصول الشافیة*^۷ تألیف سلطان یمن علی رسولی و غیره. مؤلف یادداشتهای زیادی

۷. ملک المجاهد علی بن داود رسولی، از سلاطین دانش‌پرور سلسله معروف رسولی یمن بود. او رساله معتبری در پرورش اسب و سایر حیوانات نوشت. این تألیف، که کتاب *الاقوال الکافیة والفضول الشافیة فی علم البیطرة* نام دارد، در شش باب است راجع به پرورش، نگهداری و تربیت حیوانات اهلی، از قبیل

در فواید دامپزشکی به آن اضافه کرده است. علی‌رغم برخی بی‌نظمیها، و نیز استفاده از مأخذهای عربی ضعیف و برخی بی‌دقتیها، کار او بسیار مهم است و مأخذ همه شرحهای غربی بعدی قرار گرفته است (سارتن، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۳۱۹). ترجمه او نه مقاله از ده مقاله کتاب را شامل است و مقاله دهم را که در زمینه نعل‌بندی است، ندارد. ترجمه دیگری از این اثر در سال ۲۰۰۴م موضوع پایان‌نامه دکتری فردی مراکشی به نام محمد حکیمی (در مدرسه دامپزشکی آلفر) قرار گرفته است که شامل مقاله دهم نیز می‌شود (نک: حکیمی ۱۹۲۹). ترجمه فرانسوی پرون را ریچارد فروهنر تلخیص، و به آلمانی ترجمه کرده است (نک: فروهنر ۱۹۲۹).

پژوهشهای عربی

اگرچه اصل کتاب به زبان عربی نگارش یافته، اما بررسیهای تاریخی پیرامون این کتاب به عربی بسیار دیر آغاز گردیده است. اولین تحقیق — تا جایی که نگارنده دریافته است — مربوط به عبدالرحمن الدقاق است که ترجمه فرانسوی را با متن عربی تطبیق داده است. این اثر را مطبعة دارالنفائس در بیروت منتشر ساخته است (نک: بیطار، کاشف، ۱۹۹۱). تحقیق دوم را عبدالرحمن ابریق، استاد دانشگاه حلب، با بررسی و تطبیق نسخه‌های عربی انجام داده و حاشیه‌های مفصلی بر آن افزوده است (نک: بیطار، کاشف، ۱۹۹۳). سومین تحقیق را نیز احمد جعفر حجازی با حمایت وزارت پژوهش علمی دانشگاهی و پژوهش علمی و تکنولوژی مصر انجام داده است (نک: بیطار، کاشف، ۲۰۰۲).

اسب، استر، خر، شتر، فیل، گاومیش، گوسفند و گاو. در آن مطالب جالبی برای جانورشناسان، دامداران و دامپزشکان وجود دارد، به‌ویژه از لحاظ، شتر و فیل با ارزش است (شایق ۱۳۹۱).

پژوهشهای ترکی

پژوهش و شرح خلاصه شده‌ای از کتاب توسط نیهال ارک، استاد گروه اخلاق و تاریخ دامپزشکی دانشکده دامپزشکی دانشگاه آنکارا به سال ۱۹۵۹م انجام و سعی در انطباق مطالب با دامپزشکی روز شده است (نک: ارک ۱۹۵۹).

پژوهشهای ایرانی

در ایران حسن تاجبخش در جلد دوم کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، این کتاب را معرفی و بررسی کرده است (تاجبخش ۱۳۷۹: ۳۸۵-۳۹۰). با وجود معرفی جامع ایشان، تاکنون در خصوص تصحیح و تحشییه این اثر مهم یا ترجمه‌های فارسی آن، در ایران تلاشی صورت نگرفته است.

ساختار کتاب

کتاب ناصری، مشتمل بر ده مقاله و هر مقاله دارای چندین باب است و مؤلف در آن از بیان صفات، خصوصیات، انساب، تغذیه، روش شناختن اسب سالم و مریض، طرز معالجه و درمان، لوازم و اسباب و آلات مربوط به آن و هر چه برای یک سوارکار لازم و ضروری است، هیچ فروگذار نکرده است.

چهار مقاله نخستین عمدتاً در حیطة علم فروسیه یا اسب‌شناسی است؛ اما چهار مقاله بعد به دامپزشکی، معرفی و درمان بیماریها اختصاص دارد. مقاله نهم بحث داروشناسی را شامل می‌شود و مقاله دهم در مورد نعل‌بندی است.

مقاله اول کتاب در بیست باب نگارش یافته است. در بابهای اول، پس از حمد و ثنای الهی و ذکر اهمیت نگهداری اسب از دید قرآن و حدیث، به بررسی چگونگی خلقت اسب از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است. سپس، از تفاوت‌های اسب با آدمی و نیز شباهت‌های آن دو گفته است. او در این فصل در واقع نوعی طب

مقایسه‌ای را در خصوص اسب و انسان ارائه می‌دهد؛ بنابراین طبیعی است که در برخی از مقایسه‌ها، با توجه به طب قدیم باشد. برای مثال، او دستگاه گردش خون اسب را تحت تأثیر منابع پزشکی جالینوسی توصیف می‌کند.

نویسنده دوره آبستنی، زمان فحلی و زایمان اسب را به خوبی توصیف کرده است. او محل تخلیه منی اسب را رحم می‌داند. مدت آبستنی مادبان یازده ماه است. او به این نظریه دامپزشکی قدیم که اگر شیر ابتدا از پستان راست مادر تراوش شود کره نر و در غیر این صورت ماده است، به دیده تردید می‌نگرد. دیگر مطالب این فصل در خصوص تعلیم و تربیت اسب است. مقاله دوم نیز در معرفی الوان مختلف و انواع اسب و قاطر و الاغ است.

اما مقاله‌های سوم و چهارم — که هر کدام ده باب دارند — مشتمل‌اند بر بحث عیوب اسب و نحوه انتخاب اسب سالم و بی‌عیب برای خریدار و شرح اندام به اندام محاسن و معایب اسب. به نظر این‌منذر اسبی خوب است که گردنی کوتاه یا دراز نداشته باشد، سینه‌ای فراخ داشته باشد، گوشت سینه‌اش کم و زیاد نباشد؛ درازی پاها همسان باشد و نقصهای دیگر نداشته باشد. سرینها پرگوشت باشند. داشتن سم بزرگ از عیوب به شمار می‌رود. در اندامهای تناسلی بیماری و لکه نباشد و می‌بایست دستگاه اداری نر را در زمان ادرار معاینه کرد. البته این همه علایمی که او برای اسب بی‌نقص می‌شمارد نیست؛ در مقاله سوم او از عیوب مادرزادی که از آنها آگاه است صحبت می‌کند.

در مقاله پنجم، نویسنده وارد بحث دامپزشکی می‌شود. این مقاله ۳۴ باب دارد. او بیماریها را اندام‌به‌اندام جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهد. اگر چه در خصوص برخی بیماریها و برخی اندامها چون بیماریهای مغز، گفته‌های او مشخص و واضح نیست، در مقابل، توصیف او از برخی امراض در اندامهایی مانند چشم واضح و مشخص است. مقاله ششم با روشهای خونگیری و عروق مخصوص به آن آغاز می‌گردد، بعد به

تذکرات اخلاقی می‌پردازد و در ادامه به نحوه درمان بیماریها اشاره دارد. مقاله‌های هفتم و هشتم نیز ادامه بحث درمان‌اند. مقاله نهم به داغ کردن و اشکال مختلف آن و بحثهایی درباره فارماکولوژی اختصاص دارد و در مواقعی به دعا متوسل شده است که نشان‌دهنده بیماریهایی است که وی قادر به درمان آنها نشده است و از این رو بیمار خویش را به دست شفادهنده حقیقی می‌سپارد؛ چرا که وی تعویذ را وسیله‌ای برای گریز از تلاش برای درمان قرار نمی‌دهد و از آن فقط مواقعی استفاده می‌کند که دیگر کاری از او ساخته نیست. فصل آخر کتاب فصلی منحصر به فرد است. او در این فصل از نعل‌بندی و اقسام نعل سخن می‌گوید. او ۳۶۰ نوع نعل را معرفی می‌کند که از دید دامپزشکان امروز چهل نعل آن کاربردی است. او از نعل به منظور درمان و اصلاح عیوب اسب بهره می‌برد. نویسنده این فصل را نیز با بابهایی که به نعلین قاطر و الاغ اختصاص دارد، به پایان می‌برد.

منابع

- ابریق، عبدالرحمن، ۱۹۹۳، مقدمه مصحح، نک: بیطار.
- بیطار، ابی‌بکر بن البدر، کاشف الویل فی معرفة أمراض الخیل، تحقیق عبدالرحمن الدقاق، اشراف جیرار ترویو، دارالنفائس، بیروت، ۱۹۹۱ م.
- بیطار، ابی‌بکر بن البدر، کامل الصناعتين فی البيطرة والزردقة المعروف بالناصری، حقه و درسه عبدالرحمن ابریق، حلب، ۱۹۹۳ م.
- بیطار، ابوبکر بن بدرالدین، کامل الصناعتين فی البيطرة والزردقة المعروف بالناصری، تحقیق و تقدیم احمد جعفر حجازی، وزارة البحث العلمی اکادیمیة البحث العلمی و التکنولوجیا، قاهره، ۲۰۰۲ م.
- تاجبخش، حسن، ۱۳۷۹، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ج ۲: دوران اسلامی، تهران، دانشگاه تهران.

- سارتن، جرج، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰، تاریخ نگارشهای عربی، ج ۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شایق، جلال، ۱۳۹۰، «میکائیلی، پیمان، اشاره‌ای به نسب محمد بن یعقوب بن اخی حزام واضح اسب نامه»، گزارش میراث، ش ۵۰-۵۱، ص ۱۳-۱۵.
- شایق، جلال، ۱۳۹۱، مقدمه‌ای بر تاریخ دامپزشکی، تبریز، پرپور.
- مساح، رضوان، ۱۳۷۵، «فرسنامه‌های فارسی»، آینه پژوهش، ش ۴۰، مهر - آبان.
- Erk, N., 1959, *Islam Medeniyeti Çağında Veteriner Tababette Gelişmeler ve "Naseri"*, A.Ü. Veteriner Fakültesi Yayınları, 109, Ankara, PP. 1-93.
- Froehner, R., 1929, *Das naserische Buch des Abu Bekr ibn Bedr*, *Ard1, Tierh1k*, 60, PP. 362-375 (Ref. *Iahr Vet. Med. B.* 11, 1398, (1930).
- Hakimi, M., 2004, *Traduction du traite complet des deux Arts en medicine vetetinaire: hipologie et hippiatrie*, *Le Naceri*, These Med. Vet., Alfort.
- Perron, M., 1852-1859-1860, *Naceri, Paris, Veuve, Le Bouchard — Huzard*, 3 vols.